

بدل‌های دموکراسی

آرش روحی

شاید درمیان واژگان سیاسی امروز هیچ مفهومی به اندازه دموکراسی مناقشه‌برانگیز نباشد، مفهومی که تقریباً تمامی دولت‌ها داعیه‌دار آتند و بسیاری از مردم معتقدند بهترین شیوه برای حکومت‌داری است اما وودراف در کتاب «نخستین دموکراسی» سعی در طرح این مسئله دارد که ما امروز به دموکراسی از منظر یونانی آن حتی نزدیک هم نشده‌ایم و صرفاً با بدل‌هایی از دموکراسی در سراسر جهان روبه‌رویم. نخستین دموکراسی تاریخ نزدیک به دو سده در آتن شعله‌ور بود و با وجود تمامی چالش‌هایی که دست به گریبانش بود چنان شعله‌ای برافروخت که توجه اکثر اندیشمندان را به‌خود جلب کرده است. وودراف در طول کتاب با ذکر مثال‌هایی از قبیل محاکمه سقراط، محروم‌بودن زنان و بردگان از حق رای و مشارکت، برخی تصمیم‌های هیجانی توسط توده مردم مثل تلاش برای دستگیری آلکibiادس پس از شکست در جنگ را از ایرادهای دموکراسی یونان برمی‌شمارد اما همچنین می‌افزاید که میزان دستاوردهای این دموکراسی بیش از معایش بود.

پال وودراف نویسنده کتاب که پیش از این یکی از مهم‌ترین آثارش «ضرورت تاتار» توسط بهزاد قادری به فارسی برگردانده شده استاد دانشگاه تگزاس و پژوهشگر حوزه تاتار و فلسفه یونان است. وودراف ادبیات دراماتیک یونان مثل آثار «آیسخولوس»، «سوفوکل» و «اورپید» را مولد دستاوردهای تمدن یونان می‌داند و از این نویسندگان به عنوان شاعران دموکراسی یاد می‌کند، دیالوگ و ارتباط دوسویه میان مردم و دولت که از ادبیات زاده شد دلیل وجودی دموکراسی یونان بوده است، او یقین دارد که اگر ملتی ادبیات مبتنی بر بحث آزاد و دوسویه نداشته باشد صرفاً با بدل دموکراسی روبه‌رو خواهد شد. وودراف در ابتدای کتاب به‌تفصیل از بدل‌هایی می‌نویسد که درظاهر دموکراتیک‌اند اما تفاوت چندانی با استبداد ندارند. او سه بدل را ذکر می‌کند: ۱.رای‌گیری ۲. حکومت اکثریت ۳. نمایندگان منتخب.
مواردی که امروزه به‌سادگی از مصادیق دموکراسی معرفی می‌شوند اما از منظر وودراف کافی نیستند، زیرا رای‌گیری به‌تنهایی دموکراتیک نیست، نویسنده برای توضیح این موضوع می‌نویسد: «مسئله رای‌گیری، با نگاهی به تاریخ دیکتاتوری‌های قرن بیستم باید برای ما آشنا باشد. دیکتاتورها با انتخابات را مجاز یا حتی اجباری می‌کردند (شبیبه به آنچه فرانکو در اسپانیا انجام داد) اما چون بر آنچه در برکه‌های رای نوشته می‌شد نظارت داشتند، رای‌گیری دموکراتیک نبود و فرایند رای‌گیری تحت تأثیر زدوندهای گروهی قرار می‌گرفت. (ص ۳۲) نویسنده در ادامه حکومت اکثریت را نیز مشابه استبداد می‌داند زیرا بیرون‌گذاشتن گروه‌های اقلیت به هیچ‌وجه دموکراتیک نیست و ایراد سوم (نمایندگان منتخب) این است که هر جناح نمایندگان توسط گروهی سازماندهی و پشتیبانی می‌شود که به‌دنبال پروژه‌ها و منافع خود است، در نتیجه هیچ گروهی به نمایندگی از مردم عمل نخواهد کرد.

از منظر وودراف حکومتی دموکراتیک است که تلاش می‌کند آرمان خاصی را ترویج دهد؛ آرمان حکومت از سوی مردم و برای مردم. از این نظر حکومت دموکراتیک حکومتی است که سعی می‌کند به این هفت مقوله جامه عمل بپوشاند.۱. دوری جستن از استبداد ۲. همساز۳. قانون‌مداری ۴. برابری طبیعی ۵. خرد شهروندی ۶. یافتن راهکار در نبود داده‌های روشن ۷. آموزش و پرورش همگانی. هفت فصل اصلی کتاب به‌طور مفصل به تشریح این مقولات در جامعه یونان باستان می‌پردازد و موفقیت‌ها و شکست‌های این مردم و حکومت را در پیاده‌سازی این آرمان‌ها بررسی می‌کند. ویژگی‌های این مقولات به‌طور خلاصه از این قرار است: ۱. راهایی از استبداد در یونان موجبات دولت قدرتمندتری را فراهم آورد، وجود استبداد در آن زمان می‌توانست مردم را نسبت به حکومت دلسرد کند یا آنان را به جنگ داخلی بکشاند. حاکمان یونان از خطرات جنگ داخلی کاملاً آگاه بودند و افتخار می‌کردند در برابر تجاوزات اسپارت و پارسیان، مردم نه‌فقط برای آنها که برای محافظت از آزادی مردم و دموکراسی خود می‌جنگند. ۲. عنصر همساز۱ (homonoia): وودراف این عنصر را چرخ اصلی دموکراسی می‌داند. بدون همساز۱ دموکراسی وجود نخواهد داشت. همساز۱ به دولت قوت و آرامش درونی می‌بخشد و از بروز اختلافات و جنگ داخلی جلوگیری می‌کند. عنصر همساز۱ به معنی یکدست‌کردن جامعه و از بین‌بردن نغمه‌های مخالف نیست. وودراف می‌گوید اجبار انزجار می‌آفریند و انزجار یعنی تفرقه. اگر حکومت تفاوت بین شهروندان را نپذیرد با تلاش کند تفاوت‌ها را با خشونت یا حتی با قانون از میان بردارد بذر جنگ داخلی را کاشته است. ۳. قانون‌مداری (daimonion): برای تشریح قانون‌مداری در یونان وودراف از دستگاه پیچیده قضایی آتن مثال می‌آورد که به‌طور تصادفی و از طریق قرعه‌کشی انتخاب می‌شد و کسی نمی‌توانست با رشوه آن را بخرد. او از ماجرای نقل می‌آورد که یکی از دوستان ثروتمند سقراط چگونه با خرید نگهبانان و زندانبان برای فراری‌دادن او تلاش می‌کند اما سقراط بحثی فلسفی را با دوست ثروتمندش مطرح می‌کند و او ارزش قانون‌مداری دفاع جانانه‌ای می‌کند. سقراط حاضر است بمیرد و بنیان



یک صحنه از یک روز در آتن، اثری از جورج لایلب بینگام

است، نوعی از آموزش و پرورش همگانی که مخصوص به طبقه خاصی نمی‌تواند باشد، با آموزش تخصصی متفاوت است و به رشته‌های عمومی مثل فن بیان، موسیقی، فلسفه و تربیت‌بدنی اطلاق می‌شود. مفهوم پانیدیا در آثار یونان را در پیاده‌کردن این اصل ناتوان و شکست‌خورده می‌داند. فلاسفه‌ای بودند که به حق زنان، بردگان و مهاجران برای شرکت در تصمیمات سیاسی و مشارکت در حکومت اعتقاد داشته باشند اما هرگز این ایده در آتن پیاده نشد. عنصر برابری طبیعی بیشتر در ادبیات و فرهنگ رخنه کرد. آیسخولوس اولین تراژدی‌نویس یونان در نمایشنامه پارسیان (که خودش سابقه جنگ با آنها را داشت) توانست رنج و درد دربار پارسیان را پس از شکست ناباورانه آنها از یونان ترسیم کند یا هومر که مردم تروا را در ایلیاد بیش از یونانی‌ها مهربان و تیماردار تصویر کرد. ۵. خرد شهروند: در دموکراسی همه شهروندان بالغ باید بتوانند در امور حکومتی شرکت داشته باشند. بر این اساس، دموکراسی باید تضمین کند که شهروندان امکان چنین کاری را داشته باشند. خرد شهروندی خرد مشترک انسانی است که به وسیله پانیدیا (آموزش و پرورش همگانی) کامل می‌شود. افلاطون به این اصل نیز بدین بود. از نظر او سخنوران سوفسطائی می‌توانستند روی خرد شهروندان تأثیر بگذارند، چیزی شبیه به نقدی که امروزه به رسانه‌های جمعی و میزان تأثیرگذاری آنها می‌توان نیست داد. وودراف اما با مثال نبرد سیراکیوس در نقطه‌ای که فرماندهان نمی‌توانستند تصمیم بگیرند معتقد است خرد شهروندان می‌تواند راهگشا باشد. ۶. یافتن راهکار در نبود داده‌های روشن: سخنوران دموکراسی به مردم آموزش می‌دادند که یافتن راهکار در نبود داده‌های روشن به یافتن روشی بستگی دارد که بتوان تشخیص داد کدام گزینه از بقیه عقلانی‌تر است. وودراف می‌نویسد در بن‌بست‌هایی نظیر بالاگرفتن اختلاف در ماجرای لشکرکشی به سیراکیوس بهترین نظر از دل بحثی دوسویه و جدل‌برانگیز بیرون آمد و هرچند در آن جنگ یونان شکست سختی خورد اما با توجه به شرایط امکان پیش‌بینی آینده وجود نداشت. ۷. آموزش و پرورش همگانی (پانیدیا). پانیدیا بر اصل به معنی تربیت کودک است و در آتن باستان به نظام آموزشی اطلاق می‌شد. پانیدیا از ارکان اصلی دموکراسی

نخستین دموکراسی

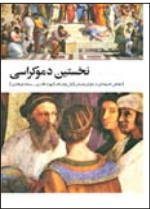
پال وودراف

ترجمه: بهزاد قادری، سمانه فرهادی

ناشر: بیدگل

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان



گفتها

در ایران هیچ‌گاه جامعه‌شناسی نقادانه نداشته‌ایم



تغییرات و تحولات زیادی صورت گرفته و مدرنیته ایرانی در حالی متولد شده که بریده‌بریده شکل گرفته و ما برای اینکه مدرنیته را بفهمیم ابتدا باید غرب را به‌عنوان مبنای زایشش آن درک کنیم. چراکه اگر بدن ایرانی بخواهد مدرنیته را به‌عنوان یک عضو پیوندی بپذیرد و آن را پس نزند باید ابتدا آن را درک کند و بفهمد. احمد اشرف از جامعه‌شناسانی است که دیالکتیک خاص و عام را می‌داند. او از متفکرانی است که فلسفه، اندیشه و تاریخ ایران را می‌داند و اگر متنی را نوشته می‌دانسته که این متن چه ساقیه‌ای دارد و ماحصل آن چه نتیجه‌ای خواهد داشت. این در حالی است که امروزه ما فقط متون غرب را استفاده می‌کنیم بدون اینکه بدانیم جایگاه این متون چه چیزی است و به همین دلیل از این علوم انسانی سترون‌شده چیزی در نمی‌آید. احمد اشرف از جامعه‌شناسانی است که در آثارش تلاش کرده به صورت تاریخی به موضوعات نگاه کند و جریان‌های مختلف را در یک مدل به‌هم‌پیوسته تحلیل کند. او همچنین موضوع هویت را بررسی کرده و در این مساله به بحث نگاه پست‌مدرن به هویت، نگاه تاریخ‌محور به هویت، الگوی طبقه‌محور به هویت و ... پرداخته است. همچنین اشرف در کتاب «طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در

اندیشه

حذف زوائد

حسین معصومی‌همدانی در «**گرامیداشت ضیاء، موحده**»، اینها: صحبت‌کردن درباره موحده سهل و ممتنع است. من موحّد را قبل از انقلاب از طریق شعر و نوشته‌هایش شناختم. پس از آن نخستین‌بار او را در مرکز نشر دانشگاهی دیدم و وقتی تازه از انگلیس برگشته بود در کلاس‌های منطق ایشان شرکت کردم. به‌تدریج دوستی ما با یکدیگر عمیق شد و به مرور زمان برخی کارهای او را ویراستاری کردم و طی این‌ زمان هیچگاه ندیدم که در کارهایش علاقه‌ای به وجود زوائد داشته باشد. حذف زوائد یکی از وجوه بارز شخصیت ضیاء، موحّد است. توجه به این بعد از شخصیت او در زمانه‌ای که ما در زوائد غوطه‌ور هستیم بسیار حایز اهمیت است.

خصوصاً در حوزه شعر پس از آنکه عده‌ای سعی کردند به حوزه‌هایی بپردازند که در جهان ما مناسب نیست دارند. امروز ما نباید درس‌های بزرگان شعر گذشته را فراموش کنیم. در حوزه علوم انسانی نیز رشته‌های متعدد دانشگاهی به وجود آمده و آخرین دستاوردهای نظریه غرب را به دانشجویان یاد می‌دهند اما هدفشان مشخص نیست. ما عده

زیادی را پرورش می‌دهیم که مشخص نیست قرار است چه کاری انجام دهند. قبل از انقلاب در نقد ادبی افرادی مانند جلال آل‌احمد و نجف دریابندری وجود داشتند که شاخک‌های قوی‌ای داشتند. اکنون آن نسل دیگر وجود ندارد و امروز ما عده‌ای را داریم که علی‌رغم اینکه مجهز به سلاح نظری هستند اما نمی‌دانند این سلاح را کجا باید به کار ببرند. در چنین فضایی موحّد از کسانی است که می‌داند با همان دانش نظری که دارد چگونه بیشترین و بهترین استفاده را از آن بکشد. کتاب «سعدی» موحّد نیز این



خصوصیت را دارد و نظریه را به رخ خواننده می‌کشد و یک لایه نظری در تمام آن دیده می‌شود به‌گونه‌ای که می‌تواند یک کلاس درسی در حوزه نقد ادبی محسوب شود.

ضیاء، موحّد در عین اینکه شخصیت اندیشه‌گاهی دارد اما به محیط بیرون از دانشگاه نیز در ارتباط است. ما بسیار شنیده‌ایم که باید با سنت خودمان گفت‌وگو کنیم و آثار ضیاء موحّد مانند «تاملاتی در منطق ابن‌سینا و سهروردی» مصداق گفت‌وگو با سنت ماست. حتی شعر او هم گفت‌وگویی با سنت شعری ماست. او در شعرش با منوچهری جوان، خیام و... ارتباط دارد و چنان شعر می‌گوید که گویی یک سعدی جلوبش نشسته است. شخصیت ایشان جنبه رسیدن به اصل مطلب را دارد و در فضایی که همواره همه سردرگم هستیم موحّد یک نقطه اتکاست و مطالعه نوشته‌های او به غیر از فوایدی که برای خواننده دارد شیوه برخورد خواننده را به ما نشان می‌دهد. قبل از انقلاب اسلامی درس منطق صوری تدریس می‌شد اما او نخستین کسی بود که اهمیت و پیامدهای فلسفی منطق صوری را نشان داد.

چراکه حتی فیلسوفان هم اهمیت منطق جدید را نمی‌دانستند. بنابراین مطرح‌کردن منطق جدید به‌عنوان یک مساله فلسفی یکی از کارهای بزرگ ضیاء موحّد بود چون او بیش از اینکه به فرمول‌ها دقت کند به اصل مطلب توجه می‌کرد و این نتیجه مطالعات او از فکره و دیگران بود.

بررسی

جریان‌های فکری ایران درنسبت باهایدگر

تحلیل و شناخت نسبت ایرانیان با غرب تاریخی گسترده و چندوجهی دارد. بررسی وضع و حال کنونی جریان‌های فکری در ایران در نسبت با غرب دغدغه چند دهه اخیر محققان ایرانی بوده است. نتایج تحلیل‌ها در این زمینه به اندازه جریان‌های متنوع فکری در ایران متکثر است. با این حال، در کل می‌توان تحلیل‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: آن‌ها که معتقدند هویت چندگانه و چندگونه ایرانیان در نسبت با غرب تعریف‌شدنی است و آن‌ها که اعتقادی به این امر ندارند.

نشر هرمس به تازگی کتابی منتشر کرده که نتیجه تحلیلش با دسته اول هم‌نظر است: «بیدارشناسی نخستین مراحل خودآگاهی فلسفی ما» که مقالاتی است درباره برخی اندیشمندان و روشنفکران کنونی ایران. ازجمله: احمد فردید، رضا داوری‌اردکانی، آرامش دوستدار، داریوش شایگان، عبدالکریم سروش، پرویز ضیاءشهابی، جواد طباطبایی، علی شریعتی و کریم مجتهدی. نویسنده آرای تک‌تک این افراد را در مواجهه با فلسفه هایدگر می‌خواند و می‌کوشد نشان دهد بزرگ‌ترین متفکران قرن بیستم از فوکو، دریدا، سارتر و آرنّت تا گادامر، لویناس، بارت، رورتی و دیگران، متأثر از هایدگر بوده‌اند چه رسد به متفکران ایرانی.

مبنای نظری کتاب حاضر عمدتاً تفکر فلسفی است. نویسنده بر این باور است که در اوایل آشنایی ایرانیان با برخی محصولات و مظاهر تجدد در قرن نوزدهم، فلسفه سنتی ما برای مسالط و رویدادهای جدید فکری و نظری نه جای داشت و نه طرح و ساده‌ای و از این جهت کاملاً بیرون از وضع انضمامی ما، ناتوان و ناکارآمد افتاده و مانده بود.

در نظر نویسنده حتی اندک کارهایی که در آن دوره صورت می‌گرفت چیزی جز دنباله‌روی نبود. بنابراین نتیجه می‌گیرد سنت فلسفی در فقدان پرسش‌شناسی نو و در فقدان پویایی در آن، عقیم و سترون شد و چاره‌ای جز انفعال و تسلیم نداشت. نویسنده می‌کوشد با یک تجربه تاریخی توجه خواننده را به این موضوع جلب کند.

در نظر او اگر سنت فلسفی ما بعد از ملاصدرا پژمرده شده بود و به اقتضای زمانه و وضع فلسفی جدید عالم توانسته بود مسائل و پرسش‌هایی تازه طرح کند و مفاهیمی را بیافریند، در آن صورت بعید به غریبه‌ای به نام کنت دکوگنیوس برای ایجاد تحول در فکر ایرانی و برای آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های فلسفی جدید و مدرن به مترجمی توصیه کند که کتاب «گفتار در روش» دکارت را ترجمه کند، و البته هیچ نشانه‌ای هم از توجه به این کتاب و مطالعه آن در آن دوره دیده نمی‌شود. همچنین در این کتاب به این موضوع نیز اشاره می‌شود که فهم فلسفه جدید غرب کار آسانی نبود. نویسنده با اشاره به این تجربه تاریخی سراخ متفکران کنونی ایرانی می‌رود و نشان می‌دهد که آنها بدون توجه و گوش‌سیاری به گفتار غالب این عصر – که عمدتاً در آثار متفکران تزییین و نکته‌دان غرب بیان شده- حرفی برای گفتن نداشته و نخواهند داشت، حتی اگر بتوانند سخن‌شان به اعصار و ازمنه دیگر تعلق خواهد داشت. نویسنده از میان متفکران غربی تأکید را بر مارتین هایدگر می‌گذارد. درواقع مبنای تحلیل کتاب حاضر هایدگر است و نویسنده می‌کوشد عملکرد متفکران ایرانی را در نسبت با او بسنجد. نقطه کانونی کتاب را در این پیش‌فرض باید جست: «در پرتو تفکر هایدگر، بسیار کسان در اقصی نقاط عالم، نه‌فقط ایران، اندیشیدن را آموختند. متون هایدگر را از اندیشیدن آرام و آهسته‌تر یاد می‌دهند اگر آن‌ها را بفهمی و راه و تفهم و مؤانست وارد شوی. آثار هایدگر چشم‌های جوینده راستین فلسفه را می‌شسود و افق‌های نو در برابرش می‌گشاید.» (ص۴)

نویسنده با ارجاع به بسیاری از متفکران غربی نشان می‌دهد اگر هایدگر نمی‌بود، فلسفه سده بیستم چهره دیگری می‌یافت و ادعا می‌کنند اگر تفکر هایدگر نمی‌بود، طرح مساله «غرب‌زدگی» احمد فردید و حتی «حکمت انسی» او به همان اندازه ناممکن بود که آزار رضا داوری‌اردکانی، داریوش شایگان و آرامش دوستدار درباره نسبت ما با غرب و اندیشیدن وضع کنونی ما. نویسنده تأکید دارد اگر بیش و نکته‌بینی ناغذ و زُرف هایدگر در تحلیل، واکاوی و واچینی تاریخ مابعدالطبیعه غرب نبود، متفکران معاصر ایرانی موفق به حصول خودآگاهی فلسفی و شناخت جایگاه و نسبت‌شان با غرب و به تبع آن تحلیل عمیق و متفکرانه وضع توسعه‌نیافتگی ما نمی‌شدند.

البته نویسنده برای مخالفانی که معتقدند متفکران معاصر ایرانی هنوز به خودآگاهی فلسفی نرسیده‌اند، استدلال دقیقی ارائه نمی‌دهد. با این حال، کتاب‌های «آسیا در برابر غرب» شایگان، «شمه‌ای از تاریخ غرب‌زدگی ما (وضع کنونی تفکر در ایران)» داوری‌اردکانی و «ملاحظات فلسفی در دین-علم-تفکر» آرامش دوستدار را سه اثر مهم و تأثیرگذار و حاوی مفاهیم و مقولات جدید در ده پنجاه شصتی در ایران می‌داند و مدعی است بدون هایدگر، بعید بود چنین آثاری به رشته تحریر در می‌آمدند. در کل، اندیشه هایدگر در مقیاس جهانی، خاصه در سطح برخی متفکرانی ایرانی که نویسنده آنها را مهم و جدی قلمداد می‌کند، نقطه عزیمت و نیز ملقایی همه مباحث کتاب حاضر است. با همین معیار متفکرانی که در کتاب بررسی می‌شوند به دو دسته تقسیم می‌شود، له و علیه هایدگر: داوری‌اردکانی، شایگان، آرامش دوستدار و پرویز ضیاءشهابی که از هایدگر اثر پذیرفته‌اند و نیز سروش و کریم مجتهدی و جواد طباطبایی که چنین نبوده‌اند.

نویسنده هدف خود را در این کتاب چنین صورت‌بندی می‌کند: «در دهه‌های اخیر در ایران، مانند جوامع دیگر، هرکس سخنی عمیق، خودآگاهانه، زمان‌شناسانه و متفکرانه گفته، به‌نجوی تحت تأثیر تفکر هایدگر بوده است، چه به این امر صریحاً اذعان کرده باشد، چه به هر علتی، به‌ویژه علت سیاسی. آن را پنهان کرده باشد، پیداست که مقصود این نیست که برخی نویسندگان ما سخنان هایدگر را صرفاً تکرار کرده‌اند بلکه مراد این است که وضع خویشان – گذشته و اکنون و آینده‌شان – را با چشمی به افق تفکر هایدگر و با کمک مفاهیم خاص او اندیشیده و جایگاه و پایگاه‌شان را نسبت به افق تفکر هایدگر و با کمک مفاهیم خاص او اندیشیده و پایگاه‌شان را نسبت به غرب جهانگیر روشن‌کرده‌اند»

بیدارشناسی نخستین مراحل خودآگاهی فلسفی‌ما
محمدمزارع شیرین‌کندی
ناشر: هرمس
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

